

## اسماعیل بخشی آزاد شد، در زندانها را باز میکنیم



آزاد شد. قبل از آن نیز سپیده قلیان، ساناز الله یاری، امیر امیرقلی و امیرحسین محمدی فرد از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در چهارم آبان آزاد شدند. آزادی بخشی و آزادی ۶ فعال سیاسی دیگر در این روزها هر چند موقت و با قید وثیقه های سنگین، اما ادامه در صفحه ۲



روز هشتم آبانماه اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه در میان استقبال خانواده و دوستان که در مقابل اوین جمع بودند

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۴۰

جمعه ۱۰ آبان ۱۳۹۸، ۱ نوامبر ۲۰۱۹

## اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران نیشکر هفت تپه آزاد شد

(اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

امروز، چهارشنبه هشتم آبانماه اسماعیل بخشی چهره محبوب و نماینده کارگران نیشکر هفت تپه از زندان اوین آزاد شد و مورد استقبال اعضای خانواده و شماری از دوستدارانش که در آنجا جمع شده بودند قرار گرفت. آزادی اسماعیل بخشی یک رویداد مسرت بخش است و بی تردید همه کارگران و مردم را به وجد آورده است. اسماعیل بخشی با وثیقه هفتصد و پنجاه میلیون تومانی آزاد شده است و دیگر آزاد شدگان نیز ناچار به سپردن وثیقه های سنگین شده اند. خواست بحق کارگران و مردم اینست که اسماعیل بخشی و دیگر شدگان بدون قید و شرط آزاد شوند و احکام سنگین زندان برای همه آنها کاملاً ملغاً و دور انداخته شود. هیچ توجیهی برای دستگیری و تعیین احکام زندان برای این

عزیزان قابل قبول نیست. حزب کمونیست کارگری آزادی اسماعیل بخشی را به او به خانواده اش و به همه کارگران نیشکر هفت تپه که تا لحظه آخر بر آزادی بخشی پافشاری کردند و همه کارگران و مردم شاد باش میگویند. این آزادیها نتیجه فشار مبارزات خود ماست و باید این فضای مبارزاتی را فعالتر و گسترده تر به پیش ببریم. تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های امنیتی برای فعالین اجتماعی و کارگری باید دور انداخته شود.

پیش بسوی شوراها

پیش بسوی

اعتصابات سراسری

حزب کمونیست

کارگری ایران

۸ آبان ۹۸،

۳۰ اکتبر ۲۰۱۹

اطلاعیه ها در صفحات ۱۱ و ۱۲

حمید تقوایی

### علیه پرونده سازهایهای امنیتی بمیدان بیائیم!

صفحه ۳

### "اعضای هر گروه مخالف سلطنت تیر باران میشوند"

گفتگو با علی جوادی

صفحه ۴

شهاب بهرامی

### شیلی، طلوعی دیگر

صفحه ۶

ناصر اصغری

### انقلاب اکتبر: بازیگران تاریخ!

صفحه ۷

بهرام سروش

### بن بست برگزیت و انتخابات در انگلیس:

صفحه ۷

برگرفته از فیسبوک محسن ابراهیمی، نسان نودینیان و حسن صالحی:

\* دو قیام، یک نقطه قوت، یک نقطه ضعف!

\* از چیچک تا سپیده!

\* یک گل در محاصره یک دنیا کثافت!

\* لبنان: سعد حریری استعفا داد، حزب الله رو در رو با

مردم، مبارزه ادامه دارد!

\* عقب نشینی دولت شیلی در مقابل اعتراضات میلیونی

صفحه ۸

مردم

از صفحه ۱

## اسماعیل بخشی آزاد شد ...

زیر فشار فضای اعتراضی جامعه و زیر فشار اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه که دور جدید اعتراضاتشان یک ماه است که جریان دارد و خواست اولشان آزادی اسماعیل بخشی و حامیان هفت تپه اعلام شده بود، انجام گرفت. آزادی این عزیزان همچنین زیر فشار اعتراض کارگران هپکو که بعد از بیدادگاه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه سربلند کرد و دامنه اش با سر دادن سرود آزادی به خیابان کشیده شد و در کنار آن اعتراضات کارگران آذربای و اعتراضات گسترده و هر روزه کارگری اتفاق افتاد. این آزادی ها در عین حال نتیجه کارزاری قدرتمند در دفاع از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و دیگر بازداشت شدگان بود که ابعاد جهانی داشت. آزادی تمامی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان، به کارگران نیشکر هفت تپه و به همگان تبریک میگویم.

آزادی اسماعیل بخشی و ۶ فعال سیاسی دیگر از همین پرونده و از بازداشت شدگان اول مه چهره دیگری به فضای اعتراضی جامعه داده است و در این اتفاق شورانگیز کارگران و مردم معترض بیش از پیش نتیجه ثمربخش قدرت مبارزاتشان را می بینند.

همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی زیر فشار و در اوج استیصال ناگزیر به این کار شد. حزب سازندگی شان جلوتر هشدار داده بود که دیگر برخورد امنیتی جواب نمیدهد. رئیسی جلاد نیز بعد از بیدادگاههای تشکیل شده برای بازداشت شدگان اول مه و احکام سنگین صادره برای

آنان و دیگر فعالین اجتماعی وقتی با موج اعتراض مردمی در جامعه روبرو شد، به غلط کردن افتاد و گفت احکام ناعادلانه بوده است و ناگزیر دستور بررسی مجدد آنها را داد. بدین ترتیب در متن چنین شرایطی بود که اسماعیل بخشی و شماری از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و اول مه آزاد شدند. البته برای حکومت اسلامی بسیار سنگین بود که اسماعیل بخشی در همان شب آزادی سپیده قلیان که خود به یک سمبل و قهرمان اعتراض علیه شکنجه و زندان تبدیل شده است و امیر امیر قلی، امیرحسین محمدی فرد و ساناز الله یاری که جانانه در کنار کارگران هفت تپه ایستادند و از آزادیخواهی سخن گفتند و عاطفه رنگریز و مرضیه امیری از بازداشت شدگان اول مه را که در همین مدت در زندان لحظه ای صدای اعتراضشان خاموش نشد، آزاد شود. از همین رو در آزادی او چند روزی وقفه افتاد. برای آزادی او در میان دستگاه حاکم نزع و کشاکش بود. بطوریکه خبر آمد که مقامات خوزستان با همدستی کامل شریعتی و مقامات قضائی در شوش و دزفول در آزادی اسماعیل بخشی وقفه ایجاد کرده اند. اما علیرغم همه اینها او در هشتم آبانماه آزاد شد.

پرونده بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، پرونده بازداشت شدگان اول مه، پرونده به محاکمه کشیدن فریاد آزادی و برابری و اعتراض علیه توحش سرمایه داری است. پرونده آنان، پرونده محاکمه مبارزات جانانه کارگران نیشکر هفت تپه و در کنار آن گروه ملی فولاد اهواز است که دامنه اش به سطح جامعه و به اعتراضات

معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و کل جامعه کشیده شد.

در این پرونده ها اسماعیل بخشی بعنوان رهبری که در صف جلوی اعتراضات هفت تپه بود، جایگاهی ویژه داشت. او در بیدادگاه رژیم اعلام کرد که خط قرمز وی کارگران نیشکر هفت تپه هستند و در کنار این کارگران خواهد ایستاد. و امروز او سمبل جنبشی است که با مبارزات جانانه کارگران هفت تپه با خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه تداعی میشود.

با مبارزات این کارگران در سال گذشته شهر شوش و در کنارش اهواز به حرکت در آمدند و پژواکش را در سطح وسیع در جامعه شاهد بودیم و صدایش جهانی شد. اسماعیل بخشی همچنین با شعار نان، کار، آزادی و آلترناتیو اداره شورایی و اعتراض علیه شکنجه و زندان که به کيفرخواست جامعه تبدیل شده، تداعی میشود.

در کنار پرونده نیشکر هفت تپه، پرونده جنجالی دیگر، مربوط به کسانی است که به جرم گرامیداشت روز جهانی کارگر، این روز اعتراض به توحش و بربریت سرمایه داری، محاکمه و زندانی شده اند. روزی که امسال فراخوانش از سوی دهها گروه و تشکل کارگری و معلمان و دانشجویان داده شده بود.

این دو پرونده جنجالی در عین حال پرونده به محاکمه کشیدن کارگران و فعالین اجتماعی به جرم دفاع از حق تشکل، تجمع، تحزب، و برگزاری روز جهانی کارگری است. بازنده این دو پرونده بطور واقع جمهوری اسلامی است. در جریان این مبارزات حق تشکل، حق تحزب، حق تجمع و آزادی های سیاسی پایه در سطح جامعه به عنوان

حقوق برحق کارگران و مردم به جلو آمد و به بنر تجمعات اعتراضی آنان تبدیل شد. از جمله معلمان و بازنشستگان در تجمعات اعتراضی شان با تاکید بر همین خواستها بر آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تاکید کردند و شعار نه زندان، نه تهدید، دیگر اثر ندارد را سر دادند.

این چنین است که آزادی اسماعیل بخشی و ۶ فعال سیاسی دیگر از این دو پرونده هر چند موقت و با قید وثیقه های سنگین صورت گرفت. این نتیجه تحمیل یک عقب نشینی به حکومتیان و موفقیتی برای صف آزادیخواهان و برابری طلبان است. این آزادی ها به موجی از جشن و شادی دامن زد و از جمله در مقابل اوین به هنگام استقبال از آنان و همچنین در مدیای اجتماعی تجلی یافت. جوانان جشن توبتری به راه انداختند. جالب اینکه در همان شب آزادی امیرحسین محمدی فرد یکی از حامیان نیشکر هفت تپه با خالی کردن جای اسماعیل بخشی که هنوز آزاد نشده بود و غسل محمدی یکی دیگر از بازداشت شدگان مربوط به این پرونده و ندا ناجی از دستگیر شدگان اول مه به حمایت گسترده سوسیالیستها از آزاد شدگان اشاره کرده و گفت: " مطمئنا همانطور که امروز از ما جمعیت گسترده سوسیالیست ها حمایت کردند، از آنها نیز چنین استقبال گسترده ای خواهند کرد. مادامیکه اتحاد طبقاتی کارگران و همبستگی میان سوسیالیستها برقرار است این انتظار بسیار کوتاه خواهد بود."

این آزادی ها نشانه ای از استیصال حکومت و یک پیشروی بزرگ در مبارزه برای

باز کردن در زندانها و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی است. در این مبارزه فشار جامعه به حدی بوده است که به دستور رئیسی جلاد قرار است احکام صادر شده برای آنان و دیگر فعالین سیاسی مورد تجدید نظر قرار گیرد و بدون شک رفتن دوباره به سراغ این دو پرونده جنجالی برایشان بیشتر گران تمام خواهد شد. باید قدرت خود را ببینیم و با اتکاء به این پیشروی میتوان در زندانها را گشود.

این پیشروها را باید به سکوی پرشی برای برداشتن گامهایی بزرگ به جلو تبدیل کرد. متحد و یکپارچه اعلام کنیم که دادگاه فرجامی در کار نخواهد بود. اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و اول مه باید بدون قید و شرط آزاد شوند و وثیقه های اخاذی شده از آنان باید به آنها بازگردانده شود.

از میان بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه غسل محمدی از حامیان هفت تپه و ندا ناجی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر همچنان در زندانند، برای دیگر بازداشت شدگان اول مه احکام وحشیانه زندان و شلاق صادر شده است، پروین محمدی نایب رئیسی اتحادیه آزاد کارگران ایران را برای اجرایی کردن حکم یکسال زندانش احضار کرده اند، برای تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه در طول همین یک ماهه پرونده سازی شده و قرار است علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه محاکمه گردد. غسل محمدی و ندا ناجی باید فوراً آزاد شوند و به کل این سرکوبگری های باید خاتمه داده شود.

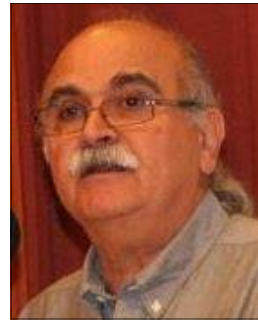
بر ممنوعیت وثیقه این ادامه در صفحه ۳

## علیه پرونده سازیهای امنیتی بمیدان بیائیم!

## به جنبش علیه پرونده سازیهای امنیتی پیوندیم!

حمید تقوائی

اکتبر ۲۰۱۶



"با تمام توان و متحدانه علیه کلیه پرونده سازی های امنیتی و احکام صادره علیه جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد و اسماعیل عبدی و آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین که با پرونده های امنیتی در زندان هستند می ایستیم."

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

پاسخ مثبت و فعال به این فراخوان یک ضرورت مبرم و وظیفه فوری همه نهادها و فعالین جنبش کارگران و معلمان است. با استناد به اتهامات بی پایه و پوچ و رسوای "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" و "تبلیغ علیه نظام" و "توهین به رهبری" و پرونده سازیهای امنیتی از همین قبیل تعداد زیادی از فعالین جنبش کارگری و معلمان و همچنین دیگر جنبشهای حق طلبانه هم اکنون در زندان به سر میبرند. لغو اتهامات امنیتی اولین گام برای آزادی زندانیان سیاسی و همه فعالین جنبشهای اعتراضی و یک پیشروی مهم در دفاع از آزادی بیان و تشکل و اعتصاب و اعتراض است.

در روز جهانی کارگر

توضیح: یادداشت زیر سه سال قبل در حمایت از اعتراض انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه علیه پرونده سازیهای امنیتی نوشته شده است. آن زمان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از زندان فراخوان خود علیه پرونده سازیهای امنیتی را مطرح کردند و این فراخوان با استقبال فعالین کارگری مواجه شد. امروز نیز این عزیزان در زندان هستند اما خواست لغو پرونده سازیهای امنیتی در سطح وسیعی در جنبش معلمان و اعتصابات کارگری بویژه اعتصابات جاری کارگران هفت تپه و آذر آب مطرح شده است. یک ثمره این مبارزات آزادی اخیر چندین فعال کارگری در رابطه با هفت تپه و تجمعات اول ماه مه است اما این تازه اولین گام است. این مبارزات میتواند و باید تا آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و لغو همه وثیقه ها و لغو همه پرونده های امنیتی ادامه پیدا کند. امروز فرخوان سه سال قبل جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی و اطلاعیه حمایت آمیز انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه بیش از پیش موضوعیت و مبرمیت یافته است. تجدید چاپ این نوشته تاکیدی است بر این ضرورت و مبرمیت.

۲۹ اکتبر ۱۹

امسال جعفر عظیم زاده دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران و اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان با انتشار بیانیه مشترکی خواستهای پایه ای کارگران و معلمان را اعلام کردند که یکی از مهمترین آنها خواست حذف اتهامات امنیتی از پرونده فعالین جنبش کارگری و معلمان بود. این بیانیه مورد حمایت وسیع زندانیان سیاسی و فعالین جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه قرار گرفت. بیانیه اخیر انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز گام دیگری در ادامه این حرکت است. اخیراً، در ۱۶ مهرماه، دادگاه تجدید نظر حکم ۶ سال زندان اسماعیل عبدی را مورد تأیید قرار داد و یک هفته بعد جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد از اعضاء هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران نیز هر یک به یازده سال زندان محکوم شدند. بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه در اعتراض به این احکام منتشر شده است.

دستگیری و بازداشت فعالین جنبش کارگری و معلمان و دیگر جنبشهای حق طلبانه و پرونده سازیهای امنیتی علیه آنان امر تازه ای نیست. آنچه تازه است جنبشی است که از روز کارگر امسال علیه این پرونده سازیها و محکومیتها آغاز شده است. در بیانیه کانون صنفی معلمان به مناسبت روز جهانی معلم نیز خواست حذف اتهامات امنیتی بار دیگر اعلام شد و اکنون انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه نیز بر این خواست تأکید میکند. این جنبشی است علیه دستگیری و محکومیت همه فعالین جنبشهای صنفی و سیاسی و

مدنی و تعرضی است علیه "امنیت" سرمایه دارن و مفتخوران حاکم. هم در بیانیه عظیم زاده - عبدی در اول مه امسال و هم در بیانیه کانون صنفی معلمان در روز جهانی معلم بر این نکته تأکید شده است که منظور حکومتی ها از "نظم و امنیت جامعه" در واقع نظم و امنیت غارت و چپاولی است که بر جامعه تحمیل کرده اند. بیانیه اخیر انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز بر همین نکته تأکید میکند: "کافی است به دلایل و مصادیقی که دستگاه های قضائی با استناد به آنها علیه این رهبران و فعالین جنبش کارگری پرونده های امنیتی تشکیل داده و احکام سنگین زندان صادر نموده اند، اندکی توجه شود تا معنای امنیت ملی، اخلاق در نظم و تبلیغ علیه نظام را دریافت. به صراحت گفته شده است که خواستن زندگی قابل تحمل، آرامش و آسایش، حق برخورداری از آموزش و تحصیل توسط اکثریت مردم کارگر، معلم، بیکار و بقیه مزدبگیران امنیت صاحبان سرمایه ها و همچنین عده ای که پرونده های چپاولشان از ثروت عمومی سالیهاست باز است را به خطر می اندازد."

جنبش علیه پرونده سازیهای امنیتی در واقع جنبشی علیه "نظم و امنیت" سرمایه و غارت و چپاول صاحبان سرمایه و دولت اسلامی آنهاست. این تأکید دیگری است بر اهمیت و جایگاه مبارزه فعال و متحدانه برای "آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین که با پرونده های امنیتی در زندان هستند". با تمام توان به این مبارزه پیوندیم.\*

از صفحه ۲

## اسماعیل بخشی آزاد شد ...

شکل آشکار اخاذی و گروگانگیری که ادامه سرکوبگریهای حکومت است تأکید کنیم. یک کارزار مهم اعتراضی در برابر سرکوبگری های حکومت، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است که از درون زندان از سوی جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و اسماعیل عبدی از رهبران مبارزات معلمان سه سال پیش اعلام شد و طی این سه سال به یک عرصه مهم مبارزه مردم علیه سرکوبگری های حکومت تبدیل شده است.

رسانه از هر وقت اعتراض خود را به امنیتی کردن مبارزات و پرونده سازی ها اعلام کنیم و بر لغو احکام امنیتی زندان برای فعالین کارگری، معلمان و تمامی فعالین سیاسی و نیز بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنها تأکید کنیم.

عسل محمدی، ندا ناجی، جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، آتنا دائمی، سهیل عربی، آرش صادقی و دیگر کارگران و معلمان در بند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. نکته مهم دیگر اینکه آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی به ارج گذاشتن بر وسیعترین آزادیها در سطح جامعه گره خورده است. امروز رسانه از هر وقت باید بر حق تشکل، حق تحزب و آزادیهای وسیع سیاسی در سطح جامعه پای فشرده.

و بالاخره این پیشروی ها

ادامه در صفحه ۶

## "اعضای هر گروه مخالف سلطنت

### تیر باران میشوند"

گفتگو با علی جوادی



هفته گذشته به بهانه صدمین سالگرد تولد محمد رضا پهلوی، مدیای دست راستی به بررسی کارنامه و عملکرد رژیم پهلوی پرداخته و بصورت مستقیم و غیر مستقیم به تمجید از آن پرداختند. در این زمینه خلیل کیوان با علی جوادی گفتگو کرده است.

**خلیل کیوان:** گردانندگان همایش هایی که در مدیای فارسی به این مناسبت به راه افتاده بود برای هدایت مباحث جانبدارانه خود به دشواریهای زیادی برمیخورند و با تناقضات بسیار روبرو میشدند، اما به هر حال این مانع نمیشد که کارنامه رژیم گذشته را مثبت ارزیابی نکنند. این رسانه ها بوضوح تلاش میکردند شنونده و بیننده خود برداشت مثبتی از رژیم گذشته دریافت کند. از رادیو فردا تا من و تو و بی بی سی ... یک حرکت کاملا جهت دار، هماهنگ و برنامه ریزی شده را دنبال کردند. این مباحث چه از لحاظ پرسش ها و موضوعاتی که به آنها پرداخته میشد و چه از نظر ترکیب شرکت کنندگان در میزگردها و گفتگو ها هم جلب توجه میکرد. شرکت کننده گان در این برنامه ها به سه دسته تقسیم میشد؛ طرفداران رژیم سابق، اسلاميون رانده شده از جمهوری اسلامی و طرفداران دمکراسی پارلمانی. در این

امکان پذیری میدهد این است که رژیم اسلامی آنچنان گندی به جامعه زده است که آن اوضاع را این جریانها با "جسارت" میکوشند مقبول جلوه دهند. یک رکن این تلاش جریانها راست بر "فراموشی تاریخی" جامعه استوار است. رکن دیگر این تلاش این است که بد را در مقابل بدتر قرار میدهند و میخواهند که من و شما و جامعه هم خود را محدود به انتخابی میان این دو گزینه ارتجاعي کنیم. تلاش برای پایین آوردن توقعات و انتظارات مردم رکن تلاش اپوزیسیون راست و بورژوازی در تحولات سیاسی پیش رو در جامعه است. یک ویژگی تلاش ما هم نقد پیگیر این تشبثات و تلاش برای بالا بردن توقعات جامعه از خود و از زندگی و از فردا است.

از طرف دیگر انتظار حقیقت گویی و اتکاء به حقیقت یک ویژگی و صفت جریانها راست جامعه و رسانه های بستر رسمی این جنبش نیست.

**خلیل کیوان:** در این مباحثات شنیده میشد که شعارهای "رضا شاه روح شاد" و "شاه برگرد" که بر وزن "مرگ بر شاه" بیان میشود تمایل مردم ایران برای بازگشت به دوران گذشته را نشان میدهد. بسیاری از مفسران طرح این شعارها را سلبی و به معنی مخالفت با حکومت ارزیابی میکنند و دامنه و وسعت آنرا هم وسیع نمیدانند. در صورتیکه به شعار اداره شورایی که در جامعه طنین انداز شد و و پارادایم سیاسی را بنفع کارگر و کمونیسم تغییر داد و سران و مسئولین حکومتی را به واکنش در مقابل کارگران و کمونیست ها کشاند حرفی

نمیزند. سئوالی که پیش میاید این است که آیا این جریانها و گرایشها فاقد دانش و دید روشن برای ارزیابی از اوضاع و توازن قوای بین نیروهای طبقات و گرایشهای سیاسی جامعه و قدرت احزاب چپ و بویژه موقعیت حزب کمونیست کارگری در جامعه هستند یا آگاهانه و در جهت پروپاگاندا سیاسی شان در شکل دهی به روندهای سیاسی از بیان آن اجتناب میکنند؟

**علی جوادی:** ببینید من بهیچوجه انکار نمیکنم که گرایش راست محافظه کار گوشه ای از واقعیت سیاسی جامعه ایران است. انکار این واقعیت، انکار حقیقت است. جامعه ایران جامعه ای طبقاتی است. بخشهای وسیعی از نیروهای بورژوازی یا از رژیم اسلامی سرخورده شده و یا قائم به ذات در مقابله با رژیم اسلامی قرار داشته و دارند. بطور ویژه بخشهای قابل ملاحظه ای از جنبش ملی اسلامی و ملی مذهبیون با مشاهده زوال و سیر سقوط رژیم اسلامی در حال نقل مکان اجتماعی و جنبشی به سمت جنبش راست محافظه کار هستند. نتیجتا در شرایطی که مبارزه توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی تشدید شده، این گرایشها هم میکوشند آلترناتیو و سمبل های سیاسی خود را روشن تر بیان کنند. طرح شعارهایی در دفاع از "رضا شاه" و پهلوی ها بازتاب تلاش و تقلاهای این گرایش سیاسی در جامعه است.

نتیجتا مساله بر سر این نیست که این گرایش در جامعه ابراز وجود نکرده و یا نخواهد کرد. بنظر من اتفاقا با گسترش مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم ما

شاهد تحرک بیشتر این جریانها خواهیم بود. اما مساله اینجاست که این صداها انعکاس و یا گوشه ای از فریاد اعتراض توده های مردم بیخاسته نیست. شما در اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، در اعتراض سراسری رانندگان کامیون، در اعتراض دانشجویان، در اعتراض کارگران هپکو، آذر آب، آلومینیم سازی اراک، در اعتراض معلمان در اعتراض دختران انقلاب و هر روزه زنان آزادیخواه چنین فریادها و شعارهایی را نمیشنوید. این صداها محصول تلاش جریانهای است که جای چندانی در بستر اصلی اعتراضی جامعه ندارند. و چرا باید جایی داشته باشد؟ مگر رضا شاه سمبل آزادیخواهی و برابری طلبی و عدالت و رفاه اجتماعی بود؟ مگر ساواک و حزب رستاخیز حافظ و مظهر آزادی بیان و مطبوعات آزاد و آزادی احزاب سیاسی بودند؟ این جریانها روی تحریف و فراموشی تاریخ حساب باز کرده اند، اما مگر انفجاری عظیم و مهبانگی تاریخ حاضر را از دوره گذشته گسسته است؟

اشاره کرده اید که چرا موقعیت چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری را نمی بینند؟ بنظر من می بینند و به هر درجه ای که آلترناتیو کمونیستی و کارگری در جامعه مقبولیت پیدا میکند، این جریانها به دوز کینه توزی و دشمنی خود علیه ما می افزایند. این جریانها در زمان خودش با سرکوب مردم سرکار بودند، امروز هم تنها میتوانند با جعل واقعیات و اتکاء به نیروهای مرتجع دول غربی برای خود آینده ای دست و پا کنند. چاره دیگری ندارند.

ادامه در صفحه ۵

از صفحه ۴

## "اعضای هر گروه مخالف سلطنت تیر باران میشوند"

**خلیل کیوان:** برخی از شرکت کنندگان در این مباحث با نقد گذشته، عبور از جمهوری اسلامی و حکومت پادشاهی و اداره پارلمانی جامعه را طرح میکردند، در حالیکه بسیاری از شرکت کنندگان در این مباحث با پذیرش انتقاداتی در باره رژیم گذشته کارنامه آنرا مثبت ارزیابی میکردند. استدلال طرفداران حکومت گذشته این بود که رژیم پهلوی در سطوح مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کارنامه مثبتی داشت و همین ها را ملاکی برای تایید و حتی بازگشت به شرایط گذشته و بعضا بازگشت رضا پهلوی بعنوان پادشان بعدی میدانستند. استدلال میکنند که در رژیم گذشته زنان وضعیت بهتری داشتند، حق رای بدست آوردند، مردم در زندگی خصوصی خود آزاد بودند، سواد آموزی و بهداشت توسعه یافت، پروژه های آبادانی بسیاری در کشور اجرا شد و حتی برخی نیز از قدرت نظامی شاه در مقابل همسایگان و ترس آنها از او اشاره میکنند و عظمت طلبی ایرانی را ستایش میکردند. مدعیانی که کارنامه فرهنگی و اقتصادی حکومت پهلوی را برای حمایت و حتی بازگشت به گذشته کافی میدانند از

مشخصات سرکوبگرایانه، خشن و دیکتاتوری شاه کمتر حرفی میزنند. ادعای رشد فرهنگی و اقتصادی چقدر واقعی است؟

**علی جوادی:** اجازه دهید برای هزارمین بار این ادعاها را در چهارچوب تاریخی و واقعی خود قرار دهیم. دوران پهلوی ها مترادف با یک تحول تاریخی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی در جامعه جهانی و به تبع آن در جامعه ایران بود. در این دوران ما شاهد رشد مناسبات سرمایه داری در جهان و همچنین در جامعه ایران بودیم. رشد و گسترش سرمایه داری در ایران مناسبات گذشته را به درجات معینی در هم شکست. پهلوی ها نماینده سیاسی چنین تحولی در جامعه بودند. همانطور که آتاتورک نماینده چنین تحولی در ترکیه بود. به این اعتبار رشد مناسبات تولیدی، گسترش شهر نشینی و گسترش تولید و توزیع سرمایه داری از نتایج چنین گذار تاریخی بودند. رژیم پهلوی ها به این اعتبار نماینده نوعی مدرنیسم بورژوازی و استبدادی در جامعه ایران بود. مدرنیسمی که با دیکتاتوری و استبداد حکومتی و بر پایه در آمد نفتی به پیش برده میشد. در این دوران جاده ساخته شد، راه آهن ساخته شد، دانشگاه و مدارس ساخته شد، زنان بعضا و به درجات محدودی به جمعیت روستاها به طرف شهرها سرازیر شد، و کار مزدی و فروش نیروی کار و استثمار نیروی کار به شکل غالب استثمار در جامعه

تبدیل شد. نتیجتا رشد اقتصادی و حتی تغییر مناسبات فرهنگی موجود در جامعه را باید در این چهارچوب تاریخی بررسی کرد.

اما در دوران سیاه حکومت اسلامی هم، جاده های بسیاری کشیده شده، به روستاهای بسیاری برق رسانده شده است، دانشگاههای بسیاری ساخته شده و پارکهای بسیاری ایجاد شده است. در شوروی استالین و در چین مائو نماینده چنین تحولی بود. در دوران هیتلر هم نیروهای تولیدی و مناسبات فرهنگی جامعه تغییرات فاحشی کردند. اما نفس گسترش نیروهای مولده و تولیدی در جامعه به معنای تایید سیاسی رژیم ناظر بر چنین تحولی نیست.

بعلاوه این جریانات آنچنان به این تحولات اشاره میکنند که گویا شخص اول مملکت خود شب و روز مشغول انجام چنین پروژه هایی بود. از قرار بار دیگر باید یاد آور شد که تمام این تولیدات محصول تلاش و کار کارگر است و نه سرمایه و نمایندگان سرمایه داری حاکم بر جامعه. باید تاکید کرد این تحولات اجتماعی از سر خیرخواهی مسئولان حکومتی صورت نمیگرفت. ضرورت رشد مناسبات سرمایه داری و انباشت سود و سرمایه در دوران جدید بود. گسترش مناسبات سرمایه داری نیازمند بازار کاری است که در آن کارگر در سطح گسترده آماده به فروش نیروی کار خود باشد. این جریانات

کوچکترین اشاره ای به انباشت سرمایه های هنگفت از قبل استثمار کارگر در ایران در همین پروسه نمیکند.

اما گذشته هر چه بود، مردم و جامعه از آن دوران عبور کرده اند. مردم با سرنگونی رژیم اسلامی میخواهند آینده خود را بسازند. آینده هم قرار نیست تکرار خسته کننده گذشته باشد. مگر مردم رعیت اند که شاه بخواهند؟

از طرف دیگر تصور اینکه جریانات راست و سلطنت پرست دست از دستگاه سرکوب خود بکشند و پاپیون و کراوات بزنند و در مجلس آتی بحث و جدال کنند، عمیقا دور از ذهن است.

**خلیل کیوان:** در این رابطه باید اضافه کرد ه که حتی با فرض رشد اقتصادی در ایران در حکومت پهلوی مگر ما مجازیم از حکومت هایی که سرکوبگر بوده اند و از منافع طبقات دارا در مقابل اکثریت عظیم جامعه محافظت کرده اند حمایت کنیم و خواهان باز گرداندن آنها به قدرت باشیم؟ مثلا هیتلر که زیر ساخت های بسیاری در آلمان را شکل داد، استالین که تحت رهبری او روسیه رشد اقتصادی خارق العاده ای یافت و از عقب ماندگی خارج شد، کشور چین که در سرکوب مخالفین ید طولانی دارد اما از نظر رشد اقتصادی همه را شگفت زده کرده است و حتی کره شمالی که زمانی رشد آن جزو عجایب اقتصاد جهان اقتصاد بود و در اوضاع معاصر مگر میتوان از عملکرد سیاسی پوتین و اردوغان که

از نظر رشد اقتصادی شاخص های چشمگیری داشته اند چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه ای و بین المللی از سیاست های آنها دفاع کرد و از آنها مدلی برای امروز ساخت؟ این ها معیارهای وارونه و غیر واقعی است. با این تفاسیل شما کارنامه رژیم پهلوی از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را چگونه ارزیابی میکنید. مشخصات نقد سوسیالیستی به رژیم پهلوی چه باید باشد؟

**علی جوادی:** بطور خلاصه، رژیم شاه یک رژیم سرمایه داری استبدادی در جامعه ایران بود. نقد من به این رژیم نقد یک کمونیست به مناسبات ضد انسانی سرمایه داری که بر اساس استثمار کارگر قرار گرفته است، میباشد. نقد ما در عین حال نقدی به استبداد سیاسی و سرکوبگری و بی حقوقی همه جانبه ای است که در این دوران حاکم بود. نقد ما به نبود آزادی های سیاسی، به سرکوب هرگونه حزب سیاسی در آن جامعه بود. ما هم خواهان مدرنیزه کردن جامعه و تحول در مناسبات تولیدی در جامعه هستیم، اما تفاوت عظیمی میان مدرنیسم بورژوازی و سوسیالیستی است. این تیتراژ روزنامه باختر امروز را خاطرتان هست؟ "اعضای هر گروه مخالف سلطنت تیر باران میشوند!". کارنامه سیاسی رژیم گذشته در همین جمله از زبان خودشان بیان شده است.\*

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## شیلی: طلوعی دیگر



شهاب بهرامی

نماینده اما همزمان مجبور گردید که لغو وضعیت فوق العاده و رفع ممنوعیت عبور و مرور شبانه را اعلام دارد در عین حال قول داد اجرای اصلاحاتی اقتصادی ولی محدود را به اجرا گذارد.

پینیرا و حزب محافظه کار متبوعش از طرفداران سر سخت بازار آزاد نتولیبرالیستی و سیاست "ریاضت کشی اقتصادی" همچنین خواستار ادامه برنامه های دیکته شده "بانک جهانی" و صندوق بین المللی پول" می باشند. نتیجه بلافاصله این سیاست ها تا به امروز، فقر و فلاکت عمومی، گرانی های سر سام آور، بیکاری و نابرابری های اجتماعی در همه سطوح بوده است در حقیقت حزب محافظه کار شیلی فرزند خلف و ادامه دهنده سیاست های پینوشه ای است اما بدون شراکت دادن مستقیم میلیتاریست ها در ارگانهای قدرت دولتی.

در پرتو جهش و رشد

بدنبال ده روز اعتراضات و تظاهرات وسیع مردم شیلی علیه دولت حاکم، روز جمعه ۲۵ اکتبر دنیا شاهد به خیابان آمدن بیش از یک میلیون نفر در سانتیاگو پایتخت این کشور و شهرهای دیگر شد. همنازای صدها گیتار با ترانه های انقلابی و بیادماندنی "ویکتور خارا" و همخوانی هزاران نفره مردم، شور و شغفی وصف انگیز و گرما بخش به این روزهای بهاری و سرنوشت ساز شیلی بخشید. "من آن شعر را با آواز می خوانم که گیتار میو احساس من می سراید چرا که این گیتار قلبی زمینی دارد و پرند وار، پرواز کنان در گذر است."

جناب "سباستین پینیرا" میلیاردر این کشور که دو سال پیش و برای بار دوم بر صندلی ریاست جمهوری تکیه زد بالاخره پیام میلیونی مردم را شنید و با عرض ادای احترام به مطالبات مردم معترض از جمله برکناری رئیس جمهور و همه مسئولین دولتی، اعلام داشت که از قدرت کنار نخواهد رفت و دموکراسی حکم میکند که ارتش و نیروهای نظامی برای اعاده نظم با اغتشاش گران بطور جدی و قاطع برخورد

اقتصادی دهه شصت و هفتاد میلادی و همزمان عروج جنبشهای چپ و سوسیالیستی، جنبش های دانشجویی، جنبش ضد جنگ، جنبش مدنی و ضد آپارتاید و ده ها جنبش و اعتراض اجتماعی دیگر که سیمای سیاسی اجتماعی جهان را دگرگون کرده بود شرایطی میسر گشت تا نیروهای رادیکال و سوسیالیست بتوانند با تصرف قدرت سیاسی به خواسته های عمومی و میلیونی مردم جامه عمل ببوشانند اما در غیاب احزاب پر قدرت کارگری کمونیستی، ضد انقلاب بورژوازی با قهرمانانش همچون ژنرال دوگل ها و بعدها ریگان و تاچر به تعرضی عظیم و تاریخی علیه دست آوردهای تاکنونی طبقه کارگر پرداختند. دوگل نخست وزیر وقت فرانسه در پاسخ به شکست قیام کارگران و دانشجویان در مه ۶۸ پاریس گفت "اگر کارگران فقط تف می کردند پاریس را آب می برد".

در آمریکای جنوبی اوضاع ملتهب تر بود. وجود سازمان ها و احزاب چپ و سوسیالیستی، سازمانهای چپ با مشی چریکی، معضلی برای حکومت های موجود طرفدار آمریکا و غرب گشته بود. در نوامبر سال هفتاد میلادی "سالوادور آلنده" رهبر

حزب سوسیالیست شیلی در انتخاباتی کاملاً آزاد به ریاست جمهوری رسید و برنامه اقتصادی و سوسیالیستی خویش را اعلام داشت. در پی بقدرت رسیدن سوسیالیست ها در سپتامبر سال هفتاد و سه، ژنرال پینوشه فاشیست به کمک سازمان سیا و دولت آمریکا به کودتایی خونین دست زد. کاخ رئیس جمهور بمباران شد، آلنده در حین دفاع مسلحانه در این بمباران کشته شد. بیش از پنج هزار نفر از سوسیالیستها را که در استادیوم ورزشی سانتیاگو زندانی کرده بودند را اعدام کردند و ویکتور خارا خواننده و ترانه سرای انقلابی و سوسیالیست یکی از آنان بود. قبل از اعدام او انگشتانش را شکستند تا دیگر نتواند گیتار بنوازد، در آن روزها و ماه ها ده ها هزار زندانی، هزاران نفر مفقود و صدها هزار نفر تبعید گشتند. همزمان دولت آمریکا با همکاری ژنرال های ارتش، طرح عملیات وسیع قاره ای بنام "کوندورا" را در آمریکای جنوبی به اجرا گذاشت. هدف این عملیات، پاکسازی و کشتار نیروها و افراد سوسیالیست و کمونیست بود که با روی کار آمدن حکومت های نظامی بوسیله کودتاهای ارتش در کشورهای برزیل، اروگوئه، بولیوی، پاراگوئه، شیلی و آرژانتین به سر انجام رسید.

آنچه که امروز در متن این تحولات و اعتراضات وسیع توده جان به لب رسیده مشاهده می شود وجود و فقدان یک جریان رادیکال، ماکسیمالیست، کارگری و کمونیستی است که بتواند این اعتراضات عمیق سیاسی را به نفع اکثریت جامعه به سرانجام رساند. جریانات موجود ملقب به چپ و مشهور به "چپ میانه" جریاناتی رفرمیستی، پارلمنتاریستی و عمدتاً چاوزیستی هستند که نه نفوذی در میان کارگران و مردم عاصی دارند و نه اساساً دیگر ادعایی برای پیاده کردن آرمان هایشان که روزی در پستوها و محافل خود در گوش هم نجوا و زمزمه می کردند، دارند. "جامعه، بویژه امروز بیش از هر زمان دیگر به چپ خودش و از جنس خودش نیاز دارد تا بزرگش کند، تا به پیروزی نزدیکش کند، و شاید یک بار برای همیشه از زیر آوار پارلمان بازی، دموکراسی و، لش سنگین و متعفن نظام سرمایه داری رهایش سازد و جامعه ای آزاد و برابر را بنا بنهد. آمریکای لاتین و بویژه شیلی در راس آن به این نیاز مرم محتاج است، چپ چاوزی و چپ میانه اینکاره نیست.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**KANAL JADID**  
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید  
ماهواره یاه ست  
فرکانس : 11766  
پولاریزاسیون : عمودی  
سیمبل ریت : 27500  
اف ای سی : 5/6

بهرام سروش

## بن بست برگزیت و انتخابات در انگلیس: آیا کوربین شانس پیروزی دارد؟



در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۷، حزب لیبر ۲۴ درصد از حزب محافظه کار عقب تر بود، اما حاصل آن انتخابات بزرگترین افزایش تعداد نمایندگان لیبر از سال ۱۹۴۵ به اینطرف و از دست رفتن اکثریت پارلمانی حزب محافظه بود. این بار نیز، بویژه با توجه به آمادگی ای که لیبر طی این مدت کسب کرده است، هیچ دلیلی وجود ندارد که این حزب بسرعت شکاف خود با حزب محافظه کار را پر کند، و چه بسا از آن جلو بزند. در عین حال، این فرض که نزد مردم، برگزیت مهمترین موضوع این انتخابات خواهد بود، فرضی سطحی و غیرواقعی است. این تصویری است که حزب

محافظه کار و مدیای رسمی دوست دارد از مردم و خواست آنها ارائه دهد: مردمی که ظاهراً از فرط خارجی گریزی و اروپا ستیزی حاضرند از خواست های پایه ای خود، مانند پایان دادن به فقر، بی امنی شغلی و نابرابری اقتصادی، دست بکشند.

واقعیت این است که ژوئن ۲۰۱۶، بغیر از اقلیت کوچکی مهاجرتستیز و نژادپرست که رای به جدائی دادند، رای به برگزیت برای این مفروضات اشتباه است.

بن بست برگزیت سرانجام به یک انتخابات پارلمانی زودتر از موعد منجر شد. پارلمان انگلیس بالاخره سه شنبه گذشته، با کنار رفتن همه گزینه ها برای حل معضل برگزیت، رای به برگزاری انتخابات پارلمانی روز ۱۲ دسامبر داد. با وارد شدن فاکتور انتخابات در معادلات سیاسی انگلستان، صورت مساله و سرنوشت برگزیت دچار تغییر اساسی می شود. برای اولین بار این امکان بوجود می آید که این پروژه که سه سال و نیم موضوع کلنجار احزاب سیاسی در پارلمان بوده است، در صورت شکست حزب محافظه کار، کلاً از دستور جامعه کنار برود. در عین حال، جامعه فرصت پیدا می کند که بالاخره به حاکمیت نزدیک به ده ساله حزب محافظه کار که طی آن ریاضت اقتصادی و نابرابری عظیمی را بر مردم تحمیل کرده است پایان دهد.

بسیاری از ناظرین سیاسی، حتی از میان صفوف نمایندگان پارلمانی حزب کار انگلیس (لیبر)، ابراز نگرانی کرده اند که لیبر بازنده این انتخابات خواهد بود. تحلیل آنها بر دو عامل استوار است: اول اینکه طبق آخرین نظر سنجی ها، حزب لیبر بطور متوسط ۱۵ درصد از حزب محافظه کار عقب تر است. دوم اینکه مساله برگزیت و خواست جدائی از اتحادیه اروپا مهمترین مشغله این انتخابات خواهد بود. هر دو این مفروضات اشتباه است.



راه نجات بشر، "تغییر جهان" است، انکار نقش بازیگری در تاریخ را در بحبوحه این کشت و کشتار به بلشویکها و در رأس آن به لنین سپرده است. یادبود و جشن گرفتن سالگرد انقلاب اکتبر در عین حال تأکیدی است بر ضرورت خلاصی از این وضعیت و عقبگردی که سرمایه داری به دنیا تحمیل کرده است. تأکیدی است بر تحزب کمونیستی، و اینکه باید بازیگر این نقش شد. با این همه رشد تکنولوژی و بارآوری، با این همه ثروت و قدرت انسان برای تولید ثروت بیشتر و در عین حال و در مقابل این همه پیشرفت، با این همه نابرابری و بی عدالتی، این همه کشت و کشتاری که با پرچم ملی گرائی، دموکراسی و مذهب به جامعه تحمیل کرده اند، این وضعیت بار دیگر لنین را برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی فریاد می زند.

"فرشته تاریخ" همچنان نظاره گر است. بازیگران ۱۹۱۷ دیگر در صحنه نیستند؛ اما وارثان آن تاریخ عزمشان همچنان جزم است که از این وضعیت عبور کنند. فرشته تاریخ بازیگران دیگری با احزاب دیگری از جنس حزب لنین را می طلبد و این شدنی است. شاید آسان به نظر نرسد، اما راه دیگر و میانبری را نمی شود تجسم کرد!

۲۶ اکتبر ۲۰۱۹

آقابالاسر ندارد. دست مذهب از زندگی خصوصی انسانها کوتاه شد. از رابطه جنسی افراد جرم زدائی شد. سالگرد انقلاب اکتبر را بایدست برای صد و دومین سال پی در پی جشن می گرفتیم، برای اینکه دنیا همچنان در نابرابری و بی عدالتی دست و پا می زند. باید هر سال و هر روز آن پیروزی مقطعی کارگر را بر قدرت سرمایه جشن بگیریم، یادآوری کنیم که پیروزی بر این دستگاه جنایت امکانپذیر است، برای اینکه دنیا در فضای سمی ترامپیسیم، اسلامیسیم، اردوغان، پوتین، اسد و امثالهم دیگر قادر به نفس کشیدن نیست. برای اینکه سرمایه برای ادامه دادن به نابرابری و بی عدالتی در گوشه و کنار جهان، در شیلی، ایران، اکوادور، سوریه، هائیتی، عراق، هنگ کنگ، لبنان و غیره و غیره خون انسان را در شیشه کرده است.

جائی خواندم: "فرشته تاریخ فقط نظاره گر است؛ نگاهش به بازیگرانی است که می روند دنیا را تغییر دهند." جنگ جهانی اول در اروپای اوایل قرن گذشته، که سران دولتهای اصلی اروپا برای منافع چپاولگرانه خود سازمان دادند، ماشین سلاخی میلیونها نفر شد. مارکس که سالها قبل در مطالعاتش به این نتیجه رسیده بود سرمایه داری را نمی شود اصلاح کرد و تنها

## ناصر اصغری انقلاب اکتبر: بازیگران تاریخ!



صد و دومین سالگرد انقلاب اکتبر را هم جشن گرفتیم. واقعه ای که در آن کارگر با سرمایه دار در سطحی وسیع رو در رو شد و برای اولین بار در یک چنین جنگی پیروز شد.

انقلاب اکتبر، با همان عمر کوتاهش، چنان شور و شوقی در جهان به پا کرد که سرمایه مجبور شد در هر برخوردش به کارگر، به زن، به کودک، به همه کسانی که مورد ظلم و ستم واقع شده بودند، کوتاه بیاید. شاعر و رمان و نمایشنامه نویس در گوشه و کنار جهان در مدح این پیک آزادی نوشتند. کارگر در وینی پگ کانادا، در سیاتل آمریکا، در آلمان، مجارستان، در ایتالیا و غیره؛ و سرباز در سنگرهای جنگ جهانی اول، برای دفاع از این دستاورد بزرگ بشریت به مقابله با دولت خودی برخاست. انقلاب اکتبر و دستاوردهایش کارگر را برای ایجاد یک دنیای بهتر، در بسیاری از کشورهای اروپائی به میدان آورد و مصمم به تغییر دنیا کرد. برای اولین بار تحقیر زن در گوشه ای از جهان جرم شد. زنان برای اولین بار در سطحی گسترده و جهانی دارای حق رأی شدند. کارگر احساس کرد

# زنده باد سوسیالیسم!

## یک گل در محاصره یک دنیا کثافت!

محسن ابراهیمی



همین دیشب بود. خوابم نمی برد. داشتم زندگی مردم شمال سوریه و جنایت اردوغان را دنبال میکردم. بیدار شدم. ساعت چهار صبح. اتفاقا یک مستند پیدا کردم. زندگی دختران جوانی که خانواده شان را ترک کرده اند و به "یگانهای زنان مدافع خلق" پیوسته اند. پیوسته اند تا با داعش مبارزه کنند. جایی در نزدیکی آدمخواران داعش داشتند آموزش نظامی میدیدند.

زندگی دختر بسیار جوانی نظرم را جلب کرد. نامش چیچک. به زبان ترکی یعنی گل. فکر میکنم شانزده سالش بود. او همه اش می خندید. همزمانش خیلی دوستانه و صمیمانه به او انتقاد میکردند و میگفتند رفیق چیچک خنده خوب است اما نه همیشه. او البته هنوز تبسم و خنده را نمیتوانست از خودش دور کند. چقدر زیبا. چقدر دوست داشتنی.

امروز تصاویر دیگری را دیدم. امروز چیچک دیگر خنده های زیبا و دوست داشتنی را نداشت. امروز چیچک را دیدم که اسیر مزدوران تا دندان مسلح اسلامی اردوغان در جنوب کوبانی است و با چشمانی نگران و چهره ای وحشت زده

## برگرفته از فیسبوک



یک عکس از سپیده است. رها از اسارت این آدمخواران در جمهوری اسلامی.

چیچک را دیروز اسلاميون مزدور اردوغان زخمی کردند و اسیر کردند. سپیده را اسلاميون حاکم در ایران اسیر کرده بودند و ناگزیر شده اند امروز و فعلا آزاد کنند.

میدانید این دو زن جوان شباهتهایشان چه ها هستند؟ هر دو زن هستند و به مصاف دشمنی مشترک رفته اند. هر دو برای آزادی می جنگند. هر دو برای برابری می جنگند. هر دو برای زندگی انسانی می جنگند. اما این دو زن شباهتهای دیگری هم دارند:

اسمشان را نگاه کنید. یکی چیچک است یعنی گل و شکوفه. دیگر سپیده است یعنی لحظه طلوع آفتاب. گل بدون آفتاب زندگی ندارد. آفتاب هم اگر گل نبیند دیگر چرا باید به حیاتش ادامه دهد؟

چیچک در میان رفقاییش به دختری خنده رو مشهور است که نمیتواند نخندد. سپیده چطور؟ سپیده مرز رنگها را در نور دیده است. سپیده با رنگ موهایش، با رنگ لباسهایش، با رنگ زندگی رنگارنگ نشان داد که همه رنگها زیبا هستند. سیاه و سفید و بنفش و زرد و سرخ و ... زنده باد چیچک، سپیده، زندگی رنگارنگ، آزادی و برابری!

\*\*\*\*\*

کنند که حرمت و عزت و احترام و امنیت و آزادی و برابری و رفاه داشته باشند.

\*\*\*\*\*

## از چیچک تا سپیده! محسن ابراهیمی



این عکسها را خوب نگاه کنید! دو عکس از چیچک. شکوفه ای که در اسارت آدمخواران اسلامی در سوریه است.

است که در هر دو جدا از اعتراض به نظم حاکم علی العموم، مردم و بخصوص جوانان رسماً و علناً علیه حکومت مبتنی بر فرقه ها و باندهای اسلامی و قومی معترض هستند و این را علناً در مطالبات و شعارهایشان اعلام میکنند. اعلام میکنند که دولت قومی و مذهبی نمیخواهند. میخواهند دولت و حکومت از مذهب و قوم و ملت و غیره جدا شود. میخواهند حکومت بر اساس حقوق شهروندی باشد. و این نقطه قوت هر دو جنبش در هر دو کشور است.

### نقطه ضعف؟

تلاش و مبارزه جسورانه مردم در هر دو کشور هنوز نتوانسته است خود را در یک حزب سیاسی متشکل کند که میخواهد نظام حاکم را به زیر بکشد، مردم قیام کننده را به قدرت برساند و قدرت سیاسی را به مردم قیام کننده بسپارد. مردمی که بنا بر همه کلیپهای صوتی و تصویری منتشر شده در رسانه های اجتماعی بسیار روشن اعلام کرده اند که میخواهند همه مردم مثل شهروندانی زندگی

## دو قیام، یک نقطه قوت، یک نقطه ضعف!

محسن ابراهیمی

در چند هفته گذشته در دو کشور عراق و لبنان مردم و در راس آنها جوانان به خیابانها ریختند و خواستار پایان دادن به نظام حاکم شدند. آری نظام حاکم. نه فقط حکام فاسد.

آنها اعلام کردند که چند دهه است حکام کنونی دارند میدزند و میچاپند و باید کنار بروند.

و جالب است که در هر دو کشور، بخش مهمی از حکام کنونی سران فرقه های اسلامی سنی و شیعی و سرکرده های منسوب به این یا آن قبیله و یا قوم هستند. و جالب است که در هر دو کشور همین اسلاميون و سران قبایل اول تلاش کردند فرصت طلبانه خود را در کنار اعتراض مردم جا بدهند. اما چون دقیقاً در هر دو کشور این اسلاميون و به اصطلاح سران اقوام و قبایل خود در دولت بودند عملاً در سرکوب اعتراض حق طلبانه مردم نقش ایفا کردند.

در عراق، بعد از تردیهای فراوان دار و دسته مقتدا صدر برای استعفای دولت تحصن کردند، اما شبه نظامیان بدر متعلق به این دارو دسته و حشدالشعبی سر به جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات نقش فعال ایفا کردند.

در لبنان، دار و دسته حسن نصر الله رسماً و علناً چماقدارانشان را برای سرکوب اعتراض حق طلبانه مردم به خیابانها ریختند که البته با مقاومت جانانه جوانان معترض روبرو شدند. نقطه قوت هر دو قیام این



## برگرفته از فیسبوک

گامی بجلو برداشته اند. مردم به پیامهای سرکوبگرانه حزب الله با بی اعتنایی برخورد کردند. اعتراضات را ادامه دادند. زورآزمایی جدی و رودر رویی مردم ناراضی با هیئت حاکمه و سیستم حاکم بورژوازی و اسلامی در جریان است. بیروت میخواهد خودش را از اسارت سیستم حاکم، فساد اقتصادی، بیکاری و گرانی و اسلام سیاسی رها کند. روند آزادیخواهی و رهایی از دست نظام های فاسد و سرکوبگر و اسلام سیاسی شروع شده است. بیروت و بغداد و کربلا و بصره و ده ها شهر بزرگ در عراق پیشقراول و پیام دهنده آرمانهای آزادیخواهی و انسانی شدند. آنها در خیابانها خشم خود را علیه حزب الله و جمهوری اسلامی ابراز کردند. اهداف و خواست مردم لبنان و عراق (بیروت و بغداد) نماد اعتراضات توده ای علیه فساد، گرانی و بیکاری، رانت خواری و علیه جمهوری اسلامی مشترک است. آنها علیه سیستم سرمایه و ماشینهای دولتی و سیستمهای حاکم نظامی و اسلامی تمام قد ایستاده اند. آرمانهای انسانی، حق طلبانه و آزادیخواهانه آنها امروز در جهان و در منطقه خاورمیانه، در ایران، عراق، افغانستان، لبنان، سوریه و ترکیه خواست میلیونها نفر از مردم ناراضی و مبارزه جو است. حمایتهای بین المللی از خواستهای انسانی مردم در لبنان و بغداد گامی مهم و تاثیر گذار خواهد بود.

۸ آبان ۱۳۹۸،

۳۰ اکتبر ۲۰۱۹

\*\*\*\*\*

دارد جایی را نگاه میکند. امروز چیچک این گل رزمنده را دیدم که با کثافت اسلامی محاصره شده است که الله و اکبر گویان این گل را محاصره کرده اند.

گه و کثافت تمام بشریت بر الله تان، بر الله اکبرتان، بر خدا و پیغمبر و امامانتان. شما را باید از صحنه جهان نابود کرد.

۲۵ اکتبر ۲۰۲۹

\*\*\*\*\*

## لبنان: سعد حریری استعفا داد، حزب الله رو در رو با مردم، مبارزه ادامه دارد! نسان نودینیان

بیروت از روز جمعه ۱۸ اکتبر صحنه اعتراضات وسیع و درگیری بین مردم و نیروهای امنیتی شده است. استارت اعتراض از طریق واتس آپ توسط جوانان زده شد. دهها هزار نفر در سراسر لبنان علیه سیاستهای ریاضتی دولت سعد حریری راهپیمایی میکنند، مردم معترض در خیابانها خواهان کنار رفتن هیئت حاکمه و دولت شدند، مردم معترض میگویند که دولت و مجلس، کشور را به آستانه فروپاشی کشانده اند. میگویند اینها ار عناصر اصلی فساد، رانت خواری و دزدی هستند. مردم معترض مخالف حزب الله و نیروهای اسلامی - این باند جنایتکار هستند - و آنها را مسبب شرایط نابسامان اقتصادی میدانند. حزب الله لبنان وقتی خشم سنگین و

کشانده است. مسئله مردم در جریان این اعتراضات کل حاکمیت بورژوازی در این کشور است. در یک نظر سنجی بیش از ۷۰ درصد از مردم شیلی گفته اند که دولت این کشور نماینده یک اقلیت کوچک و یک الیت معین است. رئیس جمهور شیلی خود یکی از بزرگترین میلیاردرهای دنیا است.

دولت شیلی برای سرکوب معترضان به نیروهای نظامی و ارتش و همچنین اعلام وضعیت فوق العاده متوسل شد. پرده ها کنار رفت و "دمکراسی تثبت شده شیلی" چهره واقعی خود را نشان داد. حضور نظامیان در خیابانها و دستگیری و مقابله خشونت آمیز نیروهای نظامی با مردم معترض یادآور دوران دیکتاتوری نظامی پینوشه بود آکه اینبار به جای اینکه مردم را مرعوب کند باعث خشم و اعتراض بیشتر آنها شد. روز جمعه ۲۵ اکتبر نزدیک به یک میلیون نفر در سانتیاگو پایتخت شیلی دست به اعتراض زدند. رئیس جمهوری اعلام کرد که "پیام مردم" را شنیده است و از آنها عذر خواهی کرد. چند روز بعد "سباستین پینیهرا"، رئیس جمهور شیلی، به ترمیم اعضای دولت پرداخت تا خود را از معرض خشم مردم معترض کنار ببرد. غافل از اینکه مردم شیلی خواهان کناره گیری او نیز هستند.

پیرو این عقب نشینی ها بود که دولت مسئله افزایش قیمت مترو را کنسل کرد و یک پاکت به اصطلاح اصلاحاتی ارائه داد که به موجب آن حداقل حقوق ۲۰ درصد افزایش می یابد. این بسته همچنین شامل توقف افزایش تعرفه برق و پیشنهاد قانونی برای تامین هزینه های ادامه در صفحه ۱۰

## عقب نشینی دولت شیلی در مقابل اعتراضات میلیونی مردم حسن صالحی

بدستور رئیس جمهور شیلی نیمه شب یکشنبه ۲۷ اکتبر وضعیت فوق العاده در این کشور ملغی شد. اعلام حالت فوق العاده و منع رفت و آمد شبانه و حضور نظامیان در خیابانها واکنش دولت شیلی به اعتراضاتی بود که بیش از ده روز است حاکمیت سرمایه داری در این کشور را به چالش کشیده است. آخرین گزارشات حاکی از این است که اعتراضات مردم همچنان ادامه دارد.

اعتراضات در شیلی یعنی جایی که به آزمایشگاه اجرای سیاستهای نئولیبرالی معروف شده است، از اعتراضات دانشجویان و محصلین دبیرستانی به افزایش قیمت بلیط مترو شروع شد. اما این اعتراضات بسرعت بخشهای مختلف مردم را در بر گرفت. چرا که مردم از افزایش هزینه های زندگی، افزایش قیمت آب و برق و خدمات درمانی، وضع بد مدارس و نابرابریهای اجتماعی در این کشور بستوه آمده اند. یک زن جوان معلم مهد کودک می گوید: "ما تا خرخره در قرض هستیم. آب و برق گران شده است، وضعیت مدارس خوب نیست، هزینه درمان بالا رفته است و پولی که ما در می آوریم کفاف این همه هزینه را نمی دهد."

علاوه بر این باید به پایین بودن حداقل مزد و حقوق بازنشستگی نیز اشاره کرد که زندگی مردم را به ورطه دست و پنجه نرم کردن با فقر

از صفحه ۷

**بن بست برگزیت**

اکثریت مردم محروم رای اعتراض به نظام و الیت سیاسی و اقتصادی حاکم بود؛ رای انزجار از "طبقه سیاسی"، رای اعتراض به فقر و نابرابری اقتصادی و بی حقوقی سیاسی. در خلا یک گزینه چپ رادیکال پر قدرت که با افشا پروژه ناسیونالیستی و دست راستی برگزیت این نیروی اعتراضی را بدرست بسوی عاملین این وضعیت هدایت کند، این اعتراض خود را با روایت جریان‌ات راست که دست بالا را داشتند، در شکل ناسیونالیسم، خارجی ستیزی و اروپا گریزی، فرموله کرد. این بار، اما، نتیجه می‌تواند متفاوت باشد. بدرجه ای که لیبر موفق شود، مانند انتخابات سال ۲۰۱۷، برنامه اصلاحات اجتماعی خود را به موضوع اصلی انتخابات بدل کند، موضوع برگزیت سرعت حاشیه ای خواهد شد. از سوی دیگر، بدرجه ای که انتخابات بر سر مسائل اساسی

جامعه و مردم متمرکز شود، بهمان نسبت موقعیت حزب محافظه کار که کمپین انتخاباتی خود را تماما بر برگزیت و یک جدائی کامل بنا کرده است تضعیف خواهد شد.

حزب لیبر کوربین اعلام کرده است که اینبار با برنامه ای حتی رادیکال تر و مترقی تر از انتخابات سال ۲۰۱۷ به میدان خواهد آمد. برنامه هائی مانند لغو قوانین ضدکارگری دولت محافظه کار، پایان دادن به قراردادهای صفر ساعته، بهبود بیمه بیکاری و خدمات رفاهی، افزایش حداقل دستمزد، گسترش خدمات اجتماعی، حمایت از نظام طب رایگان (ان اچ اس)، لغو شهریه دانشجویان، تغذیه رایگان برای دانش آموزان، گسترش حقوق بازنشستگان، گسترش خدمات مراقبت از سالمندان، افزایش مالیات بر شرکت های بزرگ و یک درصدی های جامعه، و ملی کردن سرویس های کلیدی، در کنار اقدامات رادیکال در حمایت از محیط زیست، همه این اقدامات

جدایت بالائی برای مردمی که سالهای طولانی قربانی سیاست های ریاضت اقتصادی احزاب حاکم بوده اند دارد.

سیاست فعلی حزب لیبر در مورد برگزیت این است که در صورت پیروزی و تشکیل دولت، توافق جدیدی با اتحادیه اروپا امضا کند که در عین خروج، اقتصاد و جامعه انگلیس را بسیار نزدیک به اتحادیه اروپا نگاه می‌دارد، و این توافق را در عرض شش ماه در کنار گزینه باقی ماندن در اتحادیه اروپا (وضعیتی که الان هست) در رفراندومی مجدد به مردم ارائه دهد. اکثریت بدنه حزب لیبر (قریب به ۹۰ درصد) خواهان ابقای عضویت در اتحادیه اروپاست و بدرجه ای که مردم تا آزمون، با برجسته شدن خواست های اساسی تر اجتماعی و اقتصادی و آشکار تر شدن خصلت ارتجاعی و ضدکارگری پروژه برگزیت، از آن رویگردان شده باشند، انتظار می رود اکثریت قابل توجهی رای به ماندن در اتحادیه اروپا بدهند. البته این

سیاست دوگانه حزب لیبر که به موجب آن، بدلیل نگرانی از اینکه رای هواداران برگزیت را از دست بدهد، از کمپین صریح بنفع ماندن در اتحادیه اروپا خودداری کرده است، باعث از دست دادن رای بخشی از هواداران سابق خود بنفع تقویت احزابی مانند لیبرال دمکرات ها که صریحا خواهان لغو برگزیت هستند شده است.

جدا از حاشیه ای کردن و پایان دادن به تهدید برگزیت، که در صورت پیروزی احزاب مخالف برگزیت یکی از نتایج محتمل انتخابات است، انتخابات حاضر یکی از مهمترین انتخاباتی است که جامعه انگلیس در تاریخ معاصر با آن روبرو بوده است. هم پیروزی لیبر و هم پیروزی حزب محافظه کار عواقب جدی ای برای جامعه انگلیس در بر دارد. بوریس جانس نماینده راست ترین و هار ترین گرایش حزب محافظه کار است. در صورت پیروزی حزب او، نه تنها یک برگزیت تمام عیار بر جامعه انگلیس تحمیل خواهد شد، بلکه

سرنوشت تیره و تاریکی در انتظار مردم بریتانیا است. از سوی دیگر، پیروزی حزب لیبر فضائی برای نفس کشیدن برای مردم عاصی از فقر و نابرابری و زمینه ای برای رشد گفتمان رادیکال و پیشرو در جامعه انگلیس ببار می آورد. همچنین، لغو شدن پروژه برگزیت، که در صورت پیروزی لیبر امر احتمالی است، آینده بهتری را برای کل اروپا و در جهت تضعیف راست ناسیونالیست مهاجرستیز و نژاد پرست اروپائی ترسیم می کند. شکی نیست که هیات حاکمه انگلیس به همراه بخش اعظم مدیای رسمی تلاش مهیبی را برای شکست دادن کوربین و حزب لیبر در پیش خواهد گرفت. نقطه قدرت لیبر نیم میلیون عضو تازه نفس این حزب و اردوی عظیم مردم محروم و بویژه نسل جوانی است که پرشور برای عملی کردن آینده ای بهتر و جامعه ای برابرتر بپا خاسته است. چند هفته آینده تا ۱۲ دسامبر روزهای تعیین کننده ای خواهند بود.\*

از صفحه ۳

**اسماعیل بخشی آزاد شد ...**

پیشروی ما مردم در جنبش برای سرنگونی حکومت اسلامی و جارو کردن کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری وحشی حاکم است. با اتحاد و همبستگی طبقاتی و گسترش اعتراضات در سطح سراسری است که میتوان این پیشروی ها را تثبیت کرد و به جلو گام برداشت. زنده باد انقلاب مردم برای جامعه ای شاد و انسانی!\*

از صفحه ۹

**عقب نشینی ...**

پزشکی گران قیمت از سوی دولت است.

درد مردم شیلی منزلت انسانی و یک زندگی بهتر است. خواست و آرزویی که در چرخه نظام سرمایه داری و یک تازی بازار آزاد هر چه بیشتر دست نیافتنی تر شده است. مردم شیلی به جنب و جوش آمده اند که سرنوشت خود را به دست بگیرند و خارج از منافع سودپرستانه سرمایه داری زندگی بهتری را برای خود رقم زنند.\*  
۶ آبان ۱۳۹۸

**کارگران، مردم، زنان، جوانان؛**

اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خود نمیدانند. در وجود تک تک ما سوسیالیستهای پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون بزند. از قالبهایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده‌اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنتی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هویت ما را در بدو تولدمان شکل نداده‌اند. آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل پوست جلد ماست زیر بار هویتهایی که در طول زندگی تراشیده میشود و شما هر روزه آنها را حس میکنید، مدفون است.

**حزب کمونیست کارگری ابزاری است برای مبارزه در راه آن سوسیالیسم، انسانیت و برابری طلبی که همه شما در قلبتان حس میکنید. به حزب خودتان پیوندید!**

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹



www.wpiiran.org

اطلاعیه خبری شماره ۲۷ :

## اولتیماتوم یک ماهه کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه با یک اولتیماتوم یک ماهه پیگیرخواستهایشان شدند. خواست کارگران هفت تپه لغو خصوصی سازیها، پرداخت کل مطالبات عقب افتاده و همچنین عملی شدن وعده بررسی مجدد پرونده های امنیتی تشکیل شده برای دستگیر شدگان هفت تپه و لغو احکام زندان علیه آنهاست.

کارگران نیشکر هفت تپه از اول مهرماه دور جدید اعتراضاتشان را آغاز کردند. آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان خواست اول این کارگران بود. روز هشتم آبانماه اسماعیل بخشی رهبر محبوب این کارگران و روز چهارم آبان سپیده قلیان، امیرامیرقلی، امیرحسین محمدی فرد و ساناز الله یاری از حامیان نیشکر هفت تپه به قید وثیقه آزاد شدند. کارگران نیشکر هفت تپه با پخش شکلات این آزادی را جشن گرفتند. کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای اعلام داشتند که منتظر وعده های داده شده برای بررسی مجدد پرونده های آنان و لغو احکام سنگین زندانی که به آنها داده شده می باشند. عسل محمدی یکی دیگر از بازداشت شدگان هفت تپه هنوز در زندان است و علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه قرار است دادگاهی شود و تعدادی دیگر از کارگران

**پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۹ آبان ۹۸،  
۳۱ اکتبر ۲۰۱۹**

## آزادی ۶ نفر از بازداشت شدگان هفت تپه و اول مه را شادباش میگوییم

روز ۴ آبان چهار نفر از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه به اسامی سپیده قلیان، امیرحسین محمدی فرد، ساناز الله یاری امیر امیرقلی و دو نفر از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر به اسامی مرضیه امیری و عاطفه رنگریز با قید وثیقه آزاد شدند. آزادی این عزیزان از زندانهای جمهوری اسلامی گرچه به قید وثیقه های سنگین و بطور موقت است اما تا همین حد هم یک رویداد شادی بخش و یک دستاورد مبارزات کارگران و مردم است. آزادی این عزیزان را شادباش میگوییم.

اما هنوز اسماعیل بخشی رهبر محبوب اعتراضات کارگران و ندانجی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در زندان بسر میبرند. بنا به گزارشات اسماعیل بخشی قرار است با وثیقه ۷۵۰ میلیون تومانی و عسل محمدی با وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شوند. کارگران نیشکر هفت تپه و مردم آزادیخواه منتظر آزادی این عزیزان خود و استقبال از آنان هستند. روشن است که آزادی موقت این زندانیان سیاسی و کارگرهای زیر فشار اعتراضات جهانی داشت و فضای پر از اعتراض جامعه علیه زندان و

شکنجه انجام گرفته است. از جمله در اعتراضات یک ماه اخیر کارگران نیشکر هفت تپه یک خواست مشخص آنها آزادی اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه بوده است. این آزادی ها هر چند موقت چهره دیگری به فضای اعتراضی جامعه داده و کارگران و مردم معترض بیش از پیش نتیجه ثمربخش مبارزاتشان را به چشم می بینند.

اسماعیلی معاون قوه قضایی اعلام کرده است که طرف یکماه احکام قطعی علیه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه صادر خواهد شد. اما کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که آزادی کامل و بی قید و شرط اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان در راس خواستهایشان قرار دارد و کارزار در حمایت لغو پرونده های تشکیل شده علیه بازداشت شدگان در جریان است و این جدال ادامه خواهد یافت.

از سوی دیگر پرونده علی نجاتی عضو شناخته شده سندیکای نیشکر هفت تپه همچنان باز است و محمد خنیفر یکی دیگر از کارگران این کارخانه در بیدادگاه بدوی حکومت اسلامی ۶ سال حکم گرفته است. بعلاوه در دور جدید اعتراضات این کارگران برای شماری از بازداشت شدگان

پرونده های امنیتی باز شده است. از بازداشت شدگان اول ماه مه نیز ندا ناجی همچنان در زندان است و برای دیگر بازداشت شدگان روز جهانی کارگر احکام زندان و بعضا احکام شنیع شلاق صادر شده است. کارزار برای آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان اول ماه مه و علیه احکام شنیع شلاق با تاکید بر حق مسلم برگزاری روز جهانی کارگر برای همه کارگران و همه مردم ادامه دارد.

پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران و معلمان و همه زندانیان سیاسی باید بسته شوند و به پرونده سازی ها باید خاتمه داده شود. اسماعیل بخشی، عسل محمدی، ندا ناجی، سه کارگر بازداشتی آذراب، جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی و دیگر کارگران و معلمان در بند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. با گسترش مبارزه و اعتراضات اجتماعی میتوان آزادی همه عزیزان در بند را تحمیل کرد.

**پیش بسوی شوراها  
پیش بسوی  
اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ آبان ۹۸، ۲۷  
اکتبر ۲۰۱۹**

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اطلاعیه خبری

تاریخ تجمع بزرگ بازنشستگان  
در مقابل مجلس اعلام شد

بازنشستگان برای پیگیری خواسته‌ها و مطالباتشان برای ساعت ده صبح روز یکشنبه ۱۹ آبان به تجمع در مقابل مجلس و سازمان برنامه فراخوان به تجمع داده اند. این فراخوان از سوی گروه‌های مختلف بازنشستگان از جمله "شورای بازنشستگان ایران"، "اتحاد بازنشستگان"، "پیشکسوتان"، "آپ پارک شهر" و "انجمن صنفی بازنشستگان کشور" خطاب به همه بازنشستگان و معلمان شاغل منتشر شده است.

بازنشستگان در بیانیه‌های خود برخواستهای بسیار مهم و کلیدی‌ای تأکید کرده اند که از جمله عبارتند از: حق تشکل، حق تجمع، حق تحصن، حق اعتصاب و آزادی بیان فارغ از شرایط امنیتی، آزادی بدون قید و شرط و بدون وثیقه کارگران، معلمان، دانشجویان و تمامی فعالین سیاسی زندانی، درمان رایگان و بیمه کارآمد برای بازنشستگان و شاغلین، اجرای قانون خدمات کشوری و افزایش حقوقها به بالای رقم خط فقر ۷ میلیون تومانی با تأکید بر افزایش سالانه آن متناسب با نرخ تورم واقعی، شفاف سازی وضعیت صندوق های بازنشستگی و برگرداندن سرمایه های اختلاس شده به

**پیش بسوی  
اعتصابات سراسری  
پیش بسوی  
ایجاد شوراها  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۵ آبان ۹۸  
۲۷ اکتبر ۲۰۱۹**

## ه آبان: کارگران آذرباب به اعتصاب خود ادامه میدهند

اعتصاب کارگران آذرآب امروز ۵ آبان همچنان ادامه دارد. سهامداران دزد شرکت با همدستی با مقامات حکومتی و تشکل دست ساز حکومت شوراهاى اسلامى تلاشهای بسیاری کردند تا اعتراض این کارگران را عقب زنند. اما کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته‌های خود و مشخصا آزادی سه همکار بازداشتی خود به اعتراضشان ادامه خواهند داد. در جریان اعتراضات این کارگران ۲۱ نفر بازداشت شده بودند که زیر فشار اعتراض کارگران هجده نفر آنها آزاد شدند اما سه نفر از کارگران همچنان در زندانند. حمله نیروی انتظامی به صف اعتراض کارگران انعکاس اجتماعی بسیاری پیدا کرد. این

اعتراضات حتی در سطح جهانی انعکاس پیدا کرد و جمله اتحادیه صنعتی جهانی اینداستریال با بیش از ۵۰ میلیون کارگر در ۱۴۰ کشور با حمایت از کارگران اعتصابی آذرآب اراک، سرکوب آنان را بشدت محکوم کره و خواستار آزادی فوری کارگران بازداشتی شد.

دور جدید اعتصاب کارگران آذرآب از اول مهرماه آغاز شد. بعد از اولتیماتومی ده روزه که عملاً بیست روز بطور انجامید، این اعتراض دوباره به خیابان کشیده شد و همچنان ادامه دارد. کارگران آذرآب خواستار پایان یافتن دزدی‌ها تحت عنوان خصوصی سازی و لغو خصوصی سازی‌ها، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و دیگر طلبهای خود، آزادی

بدون قید و شرط همکاران بازداشتی شان و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان و پایان دادن به پرونده سازیهاستند.

**پیش بسوی شوراها  
پیش بسوی  
اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران**

**۵ آبان ۹۸  
۲۷ اکتبر ۲۰۱۹**

## تمامی کارگران بازداشتی آذرباب آزاد شدند

بدنبال اعتراضات کارگران آذرآب که انعکاسی جهانی داشت، امروز ششم آبانماه آخرین سه کارگر بازداشتی این کارخانه به قید وثیقه آزاد شدند. آزادی آنها را به این عزیزان، به کارگران آذرآب و به همگان تبریک میگوییم.

طی هفته گذشته و حمله ماموران امنیتی به اعتراضات کارگران آذرآب ۴۲ نفر بازداشت شده بودند که بعد از ادامه متحدانه اعتصاب این کارگران همه آنها آزاد شدند. اکنون کارگران خواستار لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران بازداشتی و پایان دادن به این پرونده سازی‌ها هستند.

**پیش بسوی شوراها  
پیش بسوی  
اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۶ آبان ۹۸  
۲۸ اکتبر ۲۰۱۹**

اعتراض کارگران آذرآب به نبود امنیت شغلی و تعویق پرداخت دستمزدهایشان است. دور جدید اعتراضات این کارگران از اول مهرماه آغاز شده و بعد از اولتیماتومی ده روزه که عملاً بیست روز به طول انجامید، دوباره از سر گرفته شد. کارگران آذرآب خواستار پایان دادن به دزدیهای پشت پرده تحت عنوان خصوصی سازی و پرداخت فوری دستمزدهای

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد!